

هویت علوی*

توجه به مسأله علویان ترکیه در دهه اخیر به قدری شدید و ادبیات تولید شده در این زمینه به حدی وسیع و گسترده است که از آن به انفجار [اطلاعات مربوط به] علویان تعبیر شده است. (۱) اگرچه امروزه نیز مطالب و دانستنی‌های بسیاری در مورد علویان مجهول مانده است، اما تلاشهای فعالان علوی و محققان اروپایی موجب شناسایی بیشتر این اقلیت بزرگ و حاشیه‌نشین تاریخی شده و جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... علویان مورد کاوش قرار گرفته و می‌گیرد. از لحاظ اجتماعی، به دلیل رواج و گسترش شهرنشینی در ترکیه معاصر و مهاجرت علویان به شهرهای بزرگ و همچنین اروپا، مسایل جدیدی مطرح شده و آنان را که از لحاظ تاریخی به صورت عشیره‌ای و روستایی می‌زیستند در معرض توجه و نظر پژوهشگران قرار داده است. در وضعیت اجتماعی جدید، نبود امکان زندگی به شیوه سابق و حفظ نهادهای عمدتاً ناسازگار با جهان مدرن، زندگی شهری را به کانون توجه پیروان این مذهب مبدل ساخته و از این‌رو زندگی اجتماعی آنها در کنار اکثریت سنی نیز مسایل مهمی را وارد معادله تحولات اجتماعی ترکیه می‌سازد. از لحاظ سیاسی علویان، تنها در دهه ۱۹۶۰ فعالیت سیاسی و حزبی اندک ولی قابل توجه داشته‌اند. اما در دهه ۱۹۹۰ بخش مهمی از فعالیت احزاب بزرگ، مصرف جذب علویان شده و در واقع فرمول جدیدی در فعالیت‌های سیاسی این کشور پدید آورده است. به همین ترتیب از آنجا که اکثریت علویان ترک و اقلیتی نیز کرد (که به دو لهجه کرمانجی و زازا سخن می‌گویند) هستند این امر مسأله اقلیت‌های قومی را هم تحت تاثیر قرار داده است. (۲)

از لحاظ فرهنگی، علویان همواره مورد توجه قرار داشته‌اند، در اوایل دوره جمهوریت برخی ناسیونالیست‌ها، آنان را حافظ فرهنگ ترکی می‌دانستند و از آنان (که با تفاوتهای جزئی بکناشی و قزلباش نیز خوانده می‌شوند) در مقابل طریقت‌های دیگر تمجید می‌شد. امروزه نیز بخش مهمی از تحقیقات در مورد علویان به بررسی عناصر ترکی و فرهنگ ترکان پیش از اسلام در داخل این طریقت اختصاص دارد. در مقابل این گرایش، ناسیونالیست‌های کرد نیز در پی یافتن عناصر کردی و مزدایی و زرتشتی‌گری در آن طریقت برآمده‌اند. (۳)

از دیدگاه دینی هم ظهور علویان در عرصه عمومی ترکیه تمامیت و یکپارچگی مذهبی کشور را مورد تهدید قرار داده است و از آنجایی که علویان عموماً دیدگاه مثبت و تایید آمیزی نسبت به

* Tord Olsson, Elisabeth Ocdalga, Cathrina Raudvere (eds), *Alevi Identity*, Istanbul, Swedish Research Institute in Istanbul, 1988.

جمهوری سکولار و ناسیونالیست ترکیه دارند، به صورت رقیبی در مقابل جنبش‌های مذهبی سنیان جلوه‌گر شده‌اند. در واقع بخشی از قوت‌گیری جنبش‌های علویان، مرهون جنبش‌های اسلامی در کل ترکیه است که تقریباً همگی گرایش سنی دارند. در هر حال، وضعیت علویان مسایل متنوعی را برای ترکیه و به تبع آن برای خاورمیانه و اتحادیه اروپا پدید آورده و نظر پژوهشگران از طیف‌های مختلف، از محققین شرق‌شناس گرفته تا علمای اجتماعی و تحلیل‌گران مسایل منطقه را به خود جلب کرده است. در راستای همین بررسی‌ها، کنفرانس‌ها و سمینارهای متعددی برگزار می‌شود و کتاب «هویت علوی» حاصل جمع‌آوری مقالات عرضه شده در یکی از این سمینارهاست که موسسه تحقیقات سوئد در استانبول برگزار کرده است.

کتاب «هویت علوی» از یک مقدمه و هفده مقاله تشکیل شده و نویسندگان مقالات از شرق‌شناسان و محققان ترکیه هستند که برخی از آنها خود به جامعه علویان تعلق دارند. در مقاله نخست ایرن ملیکف پژوهشگر سرشناس مسایل علویان به شکل‌گیری دوگانگی تاریخی بکتاشی / قزلباش می‌پردازد. به نظر خانم ملیکف بکتاشیه و قزلباشیه (= علویه) در اصل ریشه واحدی دارند و هر دو به شخصیت نیمه اسطوره‌ی حاجی بکتاش ولی بازمی‌گردند (ص ۴). حاجی بکتاشی فرقه صوفی خاصی ایجاد کرده و گروهی از پیروان او بعدها در قالب ارتش بینی‌چری به گونه‌ای با دولت آل عثمان پیوند یافتند، لیکن قزلباشان که در جریان جنگ‌های صفویه و عثمانی جانب صفویان شیعی مسلک را گرفتند قتل عام شده و به زندگی در نقاط روستایی و شیوه زیست عشایری روی آوردند، حال آنکه بکتاشیان به دلیل تماس با اروپا، برخی خصوصیات شهری را جذب کردند، شاید به دلیل همین اتکا به نیروهای بینی‌چری و رواج بیشتر این طریقت در اروپا بود که با انحلال عثمانی و سکولاریزاسیون، بکتاشیه کم‌کم رنگ باخت و اعضای آن به فراماسونری و لیبرالسم تمایل یافتند (ص ۷).

در مقاله دوم اریک کرنل به بررسی بکتاشیه در بوسنی می‌پردازد (صص ۱۳ - ۹). به نظر وی چند عامل در نفوذ فرقه مذکور در بوسنی دخیل بوده‌اند؛ ضعف کلیسای بوسنی و تاثیر آن بر مردم (ص ۱۰)، شباهت‌های ظاهری بکتاشیه و مسیحیت (صص ۱۱ - ۱۰)، حضور بینی‌چریان بکتاشی (صص ۱۲ - ۱۱) و برخورد همراه با تساهل مسلمانان بوسنی (ص ۱۲).

دیوید شنکلند در مقاله‌ای تحت عنوان «مردم‌شناسی و قومیت: جایگاه قوم‌نگاری (اتنوگرافی) در جنبش جدید علوی» (صص ۲۲ - ۱۵) به تحلیل جامعه‌شناسانه جنبش علویان می‌پردازد. به نظر مولف دو جامعه سنی و علوی شباهت‌های فوق‌العاده‌ای دارند اما دارای تفاوت‌هایی نیز هستند مثلاً الگوی سکونت در روستاهای سنی پیشین متمرکز و حول مسجد است ولی روستاهای علویان پراکنده‌ترند. این دو جامعه کمتر با هم وصلت می‌کنند و حتی در روستاهایی که در کنار هم زندگی

می‌کنند محلات جداگانه‌ی دارند. با وجود آنکه در هر دو جامعه پدربتاری وجود دارد، در جامعه علوی حضور دده‌ها یعنی راس هرم جامعه علوی که خود معلم، قاضی موقت و مرتبط‌کننده حال با میراث گذشته‌اند، بسیاری جدی است (صص ۱۹ - ۱۸). به نظر علویان چهار راه به سوی خدا وجود دارد: شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت. شخص باید این مراحل را پشت سر بگذارد تا به مرحله حقیقت برسد که در آن وحدت با خداوند حاصل می‌شود. به هر حال مولف یادآور می‌شود که بدلیل سری بودن مراسمها (بویژه در گذشته) امکان ارایه توصیف کامل از جامعه علوی وجود ندارد، ضمن آنکه در صورت مکتوب شدن فرهنگ عمدتاً شفاهی آنان، شاهد وجود و حضور طریقت‌های گوناگون خواهیم بود (ص ۲۲).

کارین فورهوف در مقاله بعدی به بررسی انتشارات دانشگاهی و ژورنالیستی در مورد علویان و یکتاشیان در ترکیه می‌پردازد (صص ۵۰ - ۲۳). وی بیشتر آثاری را که در چند سال اخیر در این زمینه منتشر شد، کارهای ژورنالیستی می‌داند که مخاطب آنها توده خوانندگان بوده است، لیکن این آثار را از آن حیث که تجلی نوعی تحول و پویایی اجتماعی هستند می‌توان آثاری دست اول محسوب داشت (ص ۲۳).

فورهوف معتقد است که تا همین اواخر مطالعه ادبیات و عقاید یکتاشی - علوی به پژوهشگران دوره عثمانی واگذار شده بود و آنان همه توان خود را صرف مطالعه تاریخ جنبش‌ها و شورش‌های علویان می‌کردند. امروزه نیز به واسطه آثار محمد فواد کوپرولو، عبدالباقی گولینارلی، احمد یاشار اجاق و ایرن ملیکف، تاریخ آنان روشن‌تر شده است. به نظر نویسنده عرصه‌هایی چون رابطه هویت قومی (کُردی) و هویت مذهبی علویان کرد روابط علویان و دیگر گروه‌های دگرگیش (هنرودوکس) آناتولی و بالکان و خاور نزدیک، از جمله اهل حق ایران و عراق و گروه‌های علوی در آذربایجان و یکتاشیان جنوب اروپا و... از جمله کارهای شایانی است که انجام شده. مولف پس از بررسی نشریات عامه پسند علوی به دو دستگی علویان کرد زبان و ترک زبان اشاره می‌کند و به برخی از آثار آنان که نشانگر هویت جمعی‌شان است، می‌پردازد. (صص ۳۹ - ۳۸). بطور کلی از نظر وی، آثاری که در ترکیه منتشر شده‌اند، عمدتاً دارای فضای احساسی و در متن تحولات اجتماعی - سیاسی بوده و بیشتر آثار علمی نیز به زبانهای اروپایی منتشر شده‌اند که از دسترسی عامه علویان به دورند. همچنین، به این دلیل که علویان همواره خود را در معرض سرکوب و مظلومیت می‌بینند و اکثریت سنی خود را حقیقت مطلق می‌داند، امکان دیالوگ ایجاد نشده است لذا بخش مهمی از انتشارات در این زمینه، به مجادلات فیما بین اختصاص یافته است. فاروق بیلجی در نوشتار «کارکرد الهیات علوی - یکتاشی در ترکیه جدید» (صص ۶۲ - ۵۱) به تبیین چهاردیدگاه درباره چیستی عقاید علویان و رویکردهای جدید محافل اسلامی سنی به

آنها می‌پردازد، به نظر نویسنده مقاله تنوع عقاید در میان علویان بسیار زیاد است. اما در خصوص ماهیت عقاید علویان چهارنگرش کلی وجود دارد که البته از همدیگر کاملاً و به سهولت تفکیک نمی‌شوند: نگرش نخست که مولف با احتیاط آن را «ماتریالیستی» می‌خواند، علوی‌گری را نوعی الهیات رهایی‌بخش می‌داند و آن را جنبش مردمی محرومان می‌خواند که در مبارزه طبقاتی، آن را به صورت ایدئولوژی حامی موضع خود ایجاد کرده‌اند. این نگرش عقاید علویان را ترکیبی از عقاید گوناگون از زرتشتی‌گری گرفته تا مسیحیت، اسلام و اساطیر و... می‌داند و اسلامی خواندن آیین علوی را صحیح نمی‌داند. در واقع از این دیدگاه مذهب علوی و سیاسی برای مبارزه انقلابی و برابری است. اتحادیه علویان کردستان (مستقر در آلمان که نشریه ذوالفقار را منتشر می‌کنند) و انجمن پیر سلطان ابدال از این دیدگاه حمایت می‌کنند (صص ۵۲-۳).

دیدگاه دوم، متعلق به علویان صوفی است که عشق الهی را مسأله اساسی و دین را آیین فردی محسوب می‌دارند. به نظر این دسته «عشق» ریشه و علت وجود است و جهان مخلوق الهی، «گنجینه‌اسرار» و «عشق به شناخته شدن» است، از این نظر آنان مرز چندانی بین ادیان قایل نیستند. طرفداران این دیدگاه حول انجمن حاجی بکتاش ولی و تکیه‌های آنها گردآمده‌اند (صص ۵۳-۴). دیدگاه سوم که به نظر می‌رسد مولف نیز به آن معتقد است، دیدگاه دگراندیش اسلامی است. اینان علویان را بخشی از اسلام می‌دانند و خواستار حضور آنان در دایره امور مذهبی (ارگانی رسمی در دولت) و کمک مالی دولت در تاسیس جمخانه و... هستند. این گروه خود را فرقه علوی و پیرو امام جعفر صادق (ع) برمی‌شمارد و در عین حال با تفسیر اهل سنت از برخی متون اصلی نظیر قرآن و حدیث موافق نیست. آنان قرآن را در شکل موجودش معجزه نمی‌دانند و معتقدند که آیات مربوط به علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) از آن حذف شده است، زیرا متن موجود را عثمان برای جلوگیری از شقاق در جامعه اسلامی بعد از سوزاندن متون اصلی عرضه کرده است. این گروه با زیر سوال بردن فقه و کلام سنتی نظریه فقهی خود را مطرح می‌کنند که بر اساس آن جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بر پایه قضاوت‌هایی مشخص می‌شود که متکی بر ایمان، عقل و زندگی است و با اراده آزاد سازگار است. اوقاف جم و نشریه جم از این دیدگاه، پشتیبانی می‌کنند (ص ۵۴). دیدگاه چهارم متعلق به گروهی است که مولف آنان را «علویان جدید متمایل به تشیع» می‌خواند و به نظر وی تحت تاثیر ایران و تلاش‌های آن برای «آموزش و هدایت» علویان هستند. اینان که نشریه چهارده معصوم را منتشر می‌کنند و مرکز آنها مسجد اهل بیت در چوروم و مسجد زینیه در استانبول است، عقاید سنتی علویان را حاصل سرکوب و محرومیت آنان از دسترسی به منابع اصیل فقهی می‌دانند. عقاید گروه مذکور با تشیع اثنی عشری منطبق است (صص ۵۵-۷). اما ظاهراً مولف تاثیرات حضور چندین میلیون شیعه (که بسیاری از آنان در دو قرن اخیر از ایران به

آنجا مهاجرت کرده‌اند و برخی از قبل در نواحی شرقی مانند قارص ساکنند) را در ترکیه نادیده می‌گیرد. کما اینکه محققى مانند عبدالباقی گولپینارلی، ارتباطی با ایران نداشت و با این حال آثار متعددی در خصوص معرفی تشیع نگاشته است. به نظر نویسنده مشکلات فعلی علویان از دو عامل ریشه می‌گیرد؛ پراکندگی متون علوی و شفاهی بودن بخش اعظم فرهنگ آنان و کم‌سوادى متصدیان رهبری علویان (ص ۵۷ - ۹). در پایان مولف به نگرش سنیان ارتدوکس اشاره می‌کند که دیدگاهی منفی و کلیشه‌ی نسبت به علویان دارند و آنان را بی‌اطلاع، مفلوک و دارای عقاید مخالف عقل و در سطح حیوانات محسوب می‌دارند (۶۲ - ۵۹).

روشن چاقیر در مقاله «علوی‌گری سیاسی و تسنن سیاسی: همگرایی‌ها و واگرایی‌ها» (صص ۶۷ - ۶۳) به طرح این ایده می‌پردازد که فعالیت سیاسی علویان اساساً حاصل پرخاشگری سنیان است. برخی محافل نسبت به آن با نظر مساعد می‌نگرند زیرا بنیادگرایی تسنن را مورد چالش قرار می‌دهد. همچنین تفسیری رادیکال از اسلام‌گرایی سیاسی که بعد از انقلاب ایران قوت گرفته است، علوی‌گری سیاسی را عامل ایران می‌داند که می‌کوشد با استراتژی تهران محور و سیاست جعفری کردن [منسوب به امام جعفر صادق (ع) زیرا شخصیت ایشان وحدت‌بخش فرقه‌های مختلف شیعی است] فرقه‌های مختلف را به هم نزدیک کند. برخی محافل سنی، نیز بدلیل شباهت فقه جعفری با تسنن این گرایش را تشویق می‌کنند. نویسنده متذکر می‌شود که در پاسخ به فعالیت سیاسی اهل سنت، علویان نیز به ایجاد احزاب سیاسی، نظیر جنبش صلح دموکراتیک روی آورده‌اند (ص ۶۵). «ایجاد و تدوین مجدد هویت علوی؛ بازگشتگان علوی»، عنوان نوشتار هلکاربترز برگر تیلیچ است (صص ۷۸ - ۶۹). بازگشتگان که آلمانی نیز خوانده می‌شوند، افرادی هستند که پس از کار در اروپا به ترکیه بازگشته‌اند. اینان به دلیل وضع مالی مناسب، موقعیت اجتماعی بهتری دارند. بر اساس تحقیقات نویسنده از یک سو، نوعی گرایش به بازگشت به فرهنگ و مناسک مذهبی علوی و نهادهای زده بوجود آمده است که نه بر ارزشهای مذهبی، بلکه بر حقوق علویان به عنوان یک اقلیت تاکید دارد. در واقع بازگشتگان ضمن بالاتر بردن موقعیت اجتماعی علویان احیای آنان را نیز تسهیل کرده‌اند.

رها چامور اوغلو، در نوشتار بعدی به «احیای علوی در ترکیه» می‌پردازد (صص ۸۴ - ۷۹). به نظر وی تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مردم ترکیه آگاهی چندانی از علویان نداشتند و اعضای آن به گروه‌های گوناگون و بالاخص سوسیالیست می‌پیوستند و هویت خویش را ترک می‌گفتند، اما از آن زمان تاکنون مسأله علوی یکی از مباحث اصلی در عرصه عمومی و رسانه‌ها شده است. نخستین علامت این احیای و کشف مجدد افزایش نشریات و مجلات علوی و کتب فراوانی بود

که مؤلفین علوی در این مورد نوشته‌اند. احیاءگری علوی به نظر چامور اوغلو، به عوامل سیاسی و اجتماعی متعددی بستگی دارد، از لحاظ اجتماعی مهم‌ترین عامل، مهاجرت گسترده از مناطق روستایی بود که در دهه ۱۹۷۰ به اوج خود رسید و به نوبه خود معلول علل سیاسی و اقتصادی بود. نویسنده عوامل سیاسی را در سه مورد خلاصه می‌کند: فروپاشی بلوک سوسیالیستی و به تبع آن ایدئولوژی سوسیالیستی، که روشنفکران علوی به آن تمایل داشتند. در این خلا ایدئولوژیک، علویان برای رفع محرومیت و کسب حقوق خود به ایدئولوژیک کردن علویلیک پرداختند (با شعار «از این پس برای علویلیک خواهیم کوشید»). عامل دوم و شاید مهم‌تر، خیزش بنیادگرایی اسلامی یا اسلام سیاسی در ترکیه بود که علویان را در موضع تدافعی قرار داد و مجبور ساخت تا به ریشه‌ها رجوع کنند و به بازسازی و تفسیر مجدد هویت خویش دست بزنند. عامل سوم مساله کردهاست. از آنجا که بخش مهمی از علویان (طبق تخمین مؤلف بین ۱۰ تا ۲۰ درصد) کُرد هستند، بواسطه مناقشه کردها به این نکته پی بردند که تنش‌های ناسیونالیستی جامعه آنها تاثیر می‌گذارد و همان‌گونه که بنیادگرایی سنی باعث گرایش علویان به سکولاریسم و بیان سیاسی هویت خودشان شده است، ناسیونالیسم کرد هم موجب گرایش آنان به اصل وحدت و تاکید بر هویت دینی و پیوستگی علوی شده است (ص ۸۰، ۴).

مقاله بعدی «روابط دولت - جامعه در بازسازی علوی‌گری» نام دارد که توسط فواد بوزقورت به رشته تحریر درآمده است (صص ۹۶ - ۸۵). به نظر نویسنده یکی از خصایص اصلی علویان مقاومت منفعلانه آنهاست و تحول علوی‌گری در طی قرن حاضر بر همین اساس به وقوع پیوسته است. روی آوردن به شهرها که با بسیاری از آداب و نهادهای مذهبی و اجتماعی آنان ناسازگار بود (مثلاً نهاد دده که شیخ علوی در راس جامعه علوی قرار دارد اما در حال حاضر با زندگی شهری و انبوه تحصیل کردگان سازگاری ندارد و شاید از همین روست که از دهه ۱۹۸۰ رو به افول نهاده است). لذا نهادهایی از این دست، در معرض تحول و تغییر شکل و ماهیت قرار گرفتند (صص ۹۰ - ۸۶). همچنین رواج اندیشه‌های جدید و تدریس دینی متحدالشکل (علی‌رغم سکولار بودن دولت) در مدارس (و مدارس امام خطیب) و دانشکده‌های الهیات و تاسیس مساجدی که بر اساس اصول تسنن تبلیغ می‌کنند، موجبات فرسایش عقاید علوی را فراهم آورده است (صص ۹۵ - ۹۲). مقاله دیگر به موضوعی جالب توجه، اما بی‌ارتباط با محور کلی مقالات دیگر می‌پردازد: «یهودیان سابتاییست» (صص ۱۰۴ - ۹۷). شاید دلیل گنجاندن این مقاله در کتاب حاضر موقعیت خاص یهودیان، بعنوان یک اقلیت با توجه به گرایش بیشتر آنان به فرهنگ ترکی نسبت به دیگر یهودیان ترکیه باشد.

ژان دورینگ، در مقاله «بررسی انتقادی مطالعات مربوط به اهل حق در اروپا و ایران» به

وضعیت اهل حق می‌پردازد (صص ۱۲۶ - ۱۰۵). نویسنده پس از بررسی چگونگی انتشار «نامه سرانجام» به عنوان یکی از متون اصلی اهل حق (یارسان) به انتشارات گوناگون در این زمینه که به نظر مؤلف به دو صورت عمومی (اکثراً بصورت فتوکپی) و آکادمیک بوده‌اند، توجه می‌کند (صص ۱۰۸ - ۱۰۶). به نظر مؤلف سه رویکرد در انتشار این آثار وجود دارد: رویکرد بسی طرفانه، رویکرد حامی یک ایدئولوژی خاص، و رویکرد کسانی که به ربط آن با دیگر مذاهب می‌پردازند (ص ۱۰۹). وی آنگاه به تبیین تفاوت‌های آنان با جریان کلی اسلام می‌پردازد و اشاره می‌کند که علی‌رغم تلاش برخی برای خارج از اسلام نشان دادن اهل حق، اکثریت آنها خود را شعبه‌ای از اسلام محسوب می‌دارند (ص ۱۱۳). مؤلف در ادامه به برخی مبادلات متاخر که پس از نگارش مقاله اهل حق در دایرةالمعارف تشیع صورت گرفت، اشاره می‌کند و روند گرایش به استناد به متون اسلامی و شیعی را مورد تأکید قرار می‌دهد و در نهایت اشاره می‌کند که با کتابت متون و از میان رفتن سران صاحب قدرت، متون برای نسل جدید ارزش فرهنگی بیشتری دارد تا ارزش عقیدتی، گرچه به طور کامل نمی‌توان این دور را از هم تفکیک کرد (ص ۱۲۳).

نوشتار یاکوب اسکوگارد - پترسن به «وضعیت دروزیان در لبنان» می‌پردازد (صص ۱۳۶ - ۱۲۷). به نظر وی از زمان تاسیس دولت لبنان، جامعه دروزی به سمت حضور بیشتر در عرصه عمومی در حرکت بوده است و در سالهای اخیر به کتابت و نگارش و تدوین هویت خویش، با تأکید بر هویت اسلامی خود و به صورت گزینش از میان تاریخ و عقاید دروزیان دست زده‌اند.

آهارون لاییش در مقاله بعدی، تأثیر وصیت‌نامه مذهبی امین طریف رهبر دروزیان اسرائیل را در شقاق میان اعضای نواندیش و دسته سنتی‌تر این جامعه، بررسی می‌کند (صص ۱۵۰ - ۱۳۷). جستار دیگر کتاب به مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌های علویان ترکیه و علویان سوریه اختصاص دارد (صص ۱۶۵ - ۱۵۱). ماریانه آدینبرگ - لاناترا معتقد است که سیاست آتاتورک در ترکیه و سیاست فرانسه در سوریه موجب گشایش در کار علویان شده و نفوذ سیاسی آنان را طی هفتاد سال گذشته بطور مداوم افزایش داده است. تحول در وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنان باعث شده تا هر کدام تغییری متفاوت از دیگری از هویت خویش ارائه دهند؛ علویان ترکیه خود را برخاسته از محیط ترکی - اسلامی و تحت رهبری معنوی شخصیت‌های ترک (و یا کرد) می‌دانند و علویان سوریه ریشه عربی - اسلامی برای خود قائلند. وی در ادامه به سکولاریسم آتاتورک اشاره می‌کند که با لغو خلافت و برچیدن نهادهای مرتبط کننده دین و دولت، موقعیتی نسبتاً برابر برای علویان ایجاد کرد. لیکن بدلیل موقعیت پایین‌تر علویان، روشنفکران آنها متمایل به ایدئولوژی‌های دست چپی بودند و همین امر موجب حملات احزاب و گروه‌های دست راستی به آنها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شد. همچنین تندروی دست راستی‌های سنی موجب گرایش به حمایت از قانون اساسی

سکولار شده به گونه‌یی که حتی در شورش کردهای ترکیه در سال ۱۹۲۵، کردهای علوی به مقابله با کردهای سنی برخاستند (ص ۱۵۶). در سوریه نیز با روی کارآمدن حزب بعث و مصادره اموال زمینداران سنی و لذا تضعیف موقعیت آنها، اوضاع علویان بهبود یافت. با روی کارآمدن اسد (که خود علوی بود) و اطرافیانش، علویان موقعیت ممتازی یافتند. بطور کلی علویان سوریه و ترکیه هر دو موقعیت خود را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی تقویت کرده‌اند و در این راه به ناسیونالیسم و سکولاریسم متوسل شده‌اند.

تورد اولسون بررسی معرفت باطنی در میان کوه‌نشینان و شهرنشینان یعنی مذهب نصیری (علوی) در سوریه را به عنوان موضوع مقاله خود برگزیده است (صص ۱۸۳ - ۱۶۷). نویسنده با بررسی نوشته‌های سری آنان، مساله الوهیت بخشیدن به حضرت علی (ع) را با نقل از متون عربی ترکی و فارسی مطالعه می‌کند. وی سپس مفاهیم تقیه و تاویل و عقاید کیهان شناختی آنان را مطرح کرده و آنگاه نتیجه می‌گیرد که به استثنای مانداییان، علویان سوریه را باید تنها گروه زنده دانست که از معرفت باطنی اساطیری که نوعی شناخت باطنی و میراث بجای مانده از قرن‌ها پیش است تبعیت می‌کنند (ص ۱۶۸). همچنین وی معتقد است که با قدرت گرفتن علویان و لذا روی آوردن آنها به شهرهای بزرگ مانند دمشق و لاذقیه (بیشتر ساکن نواحی مرتفع بودند) نیازهای جدیدی (از جمله نیاز به اصول عملی و قابل اجرا) مطرح شده است و لذا اینان به جعفریه (احادیث منسوب به امام جعفر صادق (ع)) گرایش یافته و متوسل شده‌اند (ص ۱۸۲).

نوشتار بعدی عنوان «دیدگاه‌های شهری و جوامع دینی: دسترسی و مشهود بودن» را دارد (صص ۱۹۷ - ۱۸۵). کاتارینا رآورد وره در این مقاله به تبعات شهرنشینی و مهاجرت به شهرها، عمدتاً از منظر جامعه‌شناسی شهری، می‌نگرد. شهرنشینی تأثیرات عمیقی بر اوضاع حیات دینی از لحاظ دسترسی و مشهود بودن نهاده است. علویان برای انجام مراسم خویش نیاز به فضای عبادت داشته‌اند و چون شهر محل انکشاف و عجایب و ساخته شدن سنت‌هاست، تجارب جدیدی نیز بدنبال دارد. به نظر وی در یک کلان شهر، مانند استانبول، تجربه مدرنیته شهری دست‌کم سه جنبه فردی (احساس ریشه‌کن شدن، بی‌هویتی و لذا هویت جویی)، اجتماعی (تاسیس مجتمع‌های جدید بجای شبکه‌های محلی حمایت) و دولتی (زیر سوال رفتن هژمونی سکولارها توسط گروه‌های خارج از حاکمیت سیاسی) دارد. از لحاظ مشهود بودن نیز به رسمیت شناخته شدن علویان در دایره امور مذهبی برنامه و هدف بسیاری از گروه‌هاست و محل‌های نزاع نیز از برخورد اسلام‌گرایان و سکولارها به نواحی حضور علویان و دانشگاه‌ها کشیده شده است. (۵)

نوشتار پایانی به کتابت یافتن فرقه‌هایی می‌پردازد که حول شخصیت علی (ع) شکل گرفته‌اند (صص ۲۰۸ - ۱۹۹). مؤلف با بهره‌گیری از آراء فوکو و دریدا مدعی است که نوشتار، هویتی

مستقل از مولف پیدا می‌کند و لذا مکتوب شدن سنت شفاهی گروه‌های علوی، باعث تحول عقاید و نظرات آنان می‌شود. وی در این باره به مورد نورعلی الهی و نگارش کتب جدید برای اهل حق توسط وی اشاره می‌کند که بعد از وی پسرش دکتر بهرام الهی کوشید تا آیین اهل حق را در چارچوبی بینا دینی تفسیر کند و در پایان در چاپ ۱۹۹۳ کتاب دیگر اشاره‌ی به اهل حق نمی‌کند و بیشتر از نوعی راه کمال سخن به میان می‌آورد (صص ۲۰۲ - ۲۰۱).

به طور کلی کتاب از لحاظ پرداختن به موضوع تازگی دارد و تنوع رویکردها و نگرش‌ها در آن نیز حائز اهمیت و ارزشمند است. اما همین تنوع، انسجام متدولوژیک مطالعات را تضعیف نموده است. همچنین برخی از مقالات ربط مستقیمی با موضوع اصلی کتاب ندارند و موقعیت و محل جغرافیایی - سیاسی مطالعه و بررسی نیز مشخص و متمایز نشده است و البته همه اینها نیازمند پرداختن مستقل است. با توجه به اینکه کتاب حاصل گردآوری مقالات سمینار است از لحاظ عمق‌کاری نیز مقالات دارای قوت و ضعف متفاوتی هستند، برخی از آنها ژورنالیستی و عمومی بوده و برخی نیز حالت روایی دارند. کاستی دیگر کتاب، نبود نمایه اعلام و اصطلاحات است که در صورت وجود می‌توانست محققان این حوزه را یاور باشد. اما همه این موارد ارج و اعتبار کتاب را مخدوش نمی‌کند و انبوه اطلاعات و آموزندگی کتاب قابل انکار نیست.

محمدعلی قاسمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها

۱. تا کنون کتابشناسی جامعی از این آثار فراهم نیامده است، اما در سال ۱۹۹۰، مجموعه‌یی ده جلدی تحت عنوان علویان در مطبوعات منتشر شده است.

Ayyıldız, Bektas (ed), *Basında Alevilik*, Ankara, 1995, 10 cilt.

۲. در این خصوص اثر ارزشمند *مارتین فان بروینسن* شایان ذکر است:

Bruinessen, Martin Van, *Aslini Inkâr eden Haramzadedir! The Debate on the Ethnic identity Of Kurdish Alevi in, Sycretin Religious Communities in The Near East. Collected Papers Of the International Symposium Alevism in Turkey and Comparable Syncretistic Religious Communities in the Near East in the Past and Present Berlin, 14 - 17 April 1995, Krisztina Kehi - Bodrogi, Barbara Kellner - Heinkele Anke Otter _ Beaujean (ed), Leiden, pp. 1-24.*

۳. نشریه *ذوالفقار و جمشید بندر* از مدافعان این دیدگاه هستند؛ رجوع کنید به دو اثر زیر: تاریخ و تمدن کرد، عقاید مزدایی و آموزه‌های زرتشت به عنوان ریشه عقاید علوی.

Bender, Cemsid, *Kurt Tarihi ve Uygurlig*, Istanbul, 1991.

Xemgin, E., *Aleviligin Kokenindeki Mazda Inanci Ve zerdust Ogretisi*, Istanbul, 1995.

۴. واژه علویلیک در ترکی هم به عقاید این گروه و هم به جامعه علویان اطلاق می‌شود. با توجه به اینکه نویسنده مقاله آن را به واژه Alevism ترجیح داده است، از همین لفظ استفاده شد.

۵. این نکته فقط تا حدودی صحیح است زیرا بخشهایی از علویان کرد، همبستگی قومی را مورد تاکید قرار داده و به گروه‌های ناسیونالیست پیوسته‌اند، بر خلاف حوادث مربوط به شورش کردها در اوایل عصر جمهوریت که علویان کرد در مقابل کردهای سنی ایستادند.